

نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران سال دهم، شماره ۲۰، پاییز و زمستان ۱۳۹۴-۱۳۹۳

بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران^۱

فاطمه مدیری^۲

حجیه‌بی‌بی رازقی نصرآباد^۳

چکیده

با کاهش باروری در دهه‌های اخیر و همزمانی آن با برخی تغییرات در دینداری، این مقاله به بررسی رابطه دینداری و تعداد فرزندان قصد شده می‌پردازد. داده‌ها برگرفته از پیمایش سبک زندگی متاهلین در شهر تهران است که در سال ۱۳۹۴ انجام شده است. در این مقاله نمونه شامل ۱۲۷۲ مرد و زن متاهل که سن زن در خانواده ایشان ۱۵ تا ۴۹ سال بوده، می‌باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد قصد فرزندآوری در شهر تهران عمومیت بالایی دارد. حدود ۴ درصد قصد بی‌فرزندی دارند که تنها ۱۶/۵ درصد از افراد بدون فرزند را شامل می‌شود. همچنین ۶۷/۳ درصد از افراد

۱ این مقاله مستخرج از طرح مصوب موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور با عنوان کیفیت زندگی زناشویی و تاثیر آن بر قصد فرزندآوری است که داده‌های آن با حمایت مالی معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۴ جمع‌آوری شده است.

۲ استادیار جامعه‌شناسی گروه مطالعات خانواده، موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور،

Email: Fateme.modiri@psri.ac.ir

۳ نویسنده مسئول: استادیار جمعیت‌شناسی گروه مطالعات خانواده، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی

جمعیت کشور Email: hajjieh.razeghi@psri.ac.ir

قصد داشتن بیش از دو فرزند دارند، در حالی که تعداد افرادی که ۲ فرزند یا بیشتر دارند، ۴۷/۶ درصد است. گرایش افراد به دین نسبتاً بالاست و حدود ۶۵ درصد افراد دینداری متوسط و بالاتر دارند. تحلیل‌های چند متغیره نشان می‌دهد قصد باروری متأثر از دینداری بوده و این تأثیر در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی همچنان پابرجاست. همچنین اگرچه زنان دیندارتر از مردان هستند، قصد باروری در زنان و مردان تقریباً با شدت یکسان متأثر از دینداری است.

واژگان کلیدی: قصد باروری، دینداری، رگرسیون پواسن، تهران.

مقدمه و بیان مسأله

ایران در میان کشورهایی که انتقال جمعیتی را طی کرده یکی از کشورهایی است که توانسته باروری را طی مدت کوتاهی کاهش دهد. به طوری که از سال ۱۳۸۵ نرخ باروری به پایین‌تر از حد جانشینی (۲/۱ فرزند) رسیده است. میزان باروری کل در کشور در سال ۱۳۹۰ حدود ۱/۸ برآورد گردیده و در حال حاضر اکثر استان‌های کشور باروری پایین‌تر از حد جانشینی دارند. در این میان شهر تهران بیش از دو دهه است که باروری پایین دارد و در حال حاضر جزء شهرهایی است که باروری خیلی پایین (۱/۲ فرزند) را تجربه می‌کند (عباسی شوازی و حسینی چاووشی ۱۳۹۲).

به دنبال این تغییرات، در گستره زیادی از تحقیقات اجتماعی و جمعیتی موضوع باروری و تعیین کننده‌های آن مطالعه شده و در سال‌های اخیر نیز، با تداوم کاهش باروری و رسیدن آن به زیر سطح جانشینی بر تعداد مطالعاتی که به تبیین این تحولات پرداخته‌اند، افزوده شده است. مرور مطالعات مرتبط با کاهش باروری در ایران نشان می‌دهد کاهش باروری در دهه‌های اخیر پیوند نزدیکی با عوامل ساختاری و نوسازی نظیر افزایش شهرنشینی و تحصیلات زنان (عباسی شوازی، مکدونالد و حسینی چاووشی، ۲۰۰۹)؛ تحولات خانواده (عباسی شوازی، مکدونالد و حسینی چاووشی ۲۰۰۷؛ ۲۰۰۳؛ عباسی شوازی و عسکری ندوشن ۱۳۸۴)؛ تغییر ارزش فرزند (رازقی نصرآباد و سرایی ۱۳۹۳)؛ تغییر الگوهای فرزندآوری (حسینی چاووشی عباسی شوازی، مکدونالد ۲۰۰۶)؛ تولید و گسترش برنامه‌های تنظیم خانواده (عباسی شوازی و مکدونالد و حسینی چاووشی، ۲۰۰۹) و افزایش استقلال زنان (عباسی شوازی و خواجه صالحی ۱۳۹۲)؛

عباسی شوازی و علی‌مندگاری ۱۳۸۹؛ قدرتی و دیگران ۱۳۹۲) دارد. مطالعات در کشورهای اروپایی نشان داده، علاوه بر متغیرهای جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی در دو سطح خرد و کلان، رشد فردگرایی، لیبرالیسم و رهایی از نیروهای سنتی از جمله اعتقادات مذهبی، نقش اساسی در سطوح باروری بسیار پایین داشته است. رواج ارزش‌های محافظه‌کارانه درباره تشکیل خانواده، فرزندآوری و آینده زندگی انسانها، درک از منافع و هزینه‌های فرزندان را متأثر ساخته (لرر^۱ ۲۰۰۴) و کاهش ارزش‌های دینی با فردگرایی و رواج ارزش‌های پست‌مدرن همراه بوده (سوروکین و لستهاق ۲۰۰۴) که در نتیجه منجر به باروری پایین می‌شود.

از طرف دیگر حوزه دین نیز از تغییرات اقتصادی اجتماعی دهه‌های اخیر مستثنی نبوده و گزارشات مبنی بر خصوصی شدن دین، کاهش مناسک دینی (آزادارمکی و مدیری ۱۳۹۰؛ روحانی و معنوی پور ۱۳۸۸؛ توسلی و مرشدی ۱۳۸۵؛ سراج زاده و پویافر ۱۳۸۷؛ ۱۳۸۶؛ زین آبادی ۱۳۸۵؛ سودانی، محمدی و احیاء‌کننده، ۱۳۸۸؛ موحد و عنایت ۱۳۸۵) ایجاد تغییرات در دینداری را تایید می‌کنند و در حالی که تأثیر دین بر ارکان مختلف زندگی اجتماعی که همواره جزء لاینفک زندگی ایرانیان بوده همچنان وجود دارد (زین آبادی ۱۳۸۵؛ پارسامهر و دیوبند ۱۳۹۰؛ روحانی و معنوی پور ۱۳۸۸؛ سودانی، محمدی و احیاء‌کننده، ۱۳۸۸؛ احمدی، فتحی آشتیانی و عرب‌نیا ۱۳۸۵؛ مجرد تاکستانی ۱۳۸۹؛ مدیری ۱۳۹۲) گزینش‌گری در دین (آزادارمکی و شریفی ساعی ۱۳۹۰) و تأثیر متفاوت آن در حوزه عمومی و خصوصی (آزادارمکی و مدیری ۱۳۹۰) و حتی گاهی در ابعاد مختلف یک حوزه (مدیری ۱۳۹۲) نیز به چشم می‌خورد.

در جمعیت‌شناسی یک سنت طولانی در مطالعه ارتباط مذهب و باروری وجود دارد (بودوین^۲ ۲۰۱۵). تفاوت سطح باروری در گروه‌های مختلف مذهبی و با سطوح مختلف دینداری در مطالعات زیادی نشان داده شده است. در سال‌های اخیر در مطالعات اروپایی، تأثیر مذهب بر رفتارهای جمعیتی مجدد مورد توجه محققان قرار گرفته است. دلایل این نگاه مجدد از یک طرف مربوط به ورود مهاجرین با مذاهب مختلف است و از طرف دیگر باروری بالاتر اقلیت‌های مذهبی

1 Lehrer

2 Baudin

است (سندرا^۱ ۲۰۱۴). دینداری و مذهب از مشخصه‌های اصلی فرهنگ می‌باشند که ارزش‌ها را شکل می‌دهند. رویکردهای نظری اظهار می‌دارند که سطح دینداری افراد به دو طریق مستقیم و غیر مستقیم بر باروری اثر می‌گذارند. تأثیر مستقیم، هنجارها و قوانین مذهبی است که بطور خاص در خصوص باروری وجود دارد. آموزه‌های دینی در خصوص سن ازدواج، تعداد فرزندان، استفاده از روش‌های پیشگیری از بارداری، بر باروری اثر می‌گذارد. از سوی دیگر ممکن است افراد در گروه‌های مختلف مذهبی در موقعیت اقتصادی اجتماعی متفاوتی قرار بگیرند و متأثر از این شرایط رفتارهای جمعیتی مختلفی نیز داشته باشند. در واقع اثر غیر مستقیم، از تعامل مذهب با سایر عواملی که بر باروری اثر می‌گذارند ناشی می‌شود (سندرا ۲۰۱۴).

مطابق با نظر هممل^۲ (۱۹۹۰) افرادی با شرایط اقتصادی اجتماعی مشابه اما با اعتقادات مذهبی متفاوت و یا متعلق به گروه‌های مختلف مذهبی، ممکن است رفتارهای باروری متفاوتی را بروز دهند. ممکن است برخی از گروه‌های مذهبی اهمیت بیشتری به تشکیل خانواده و تعداد زیاد فرزند بدهند و یا افرادی که مذهب نقش اساسی و پررنگی در زندگی‌شان دارد، رفتارها و تمایلات متفاوت با سایرین در خصوص فرزندآوری داشته باشند.

رازقی نصرآباد (۱۳۹۵) در فراتحلیلی که بر روی مطالعات مرتبط با باروری پایین در ایران انجام داد نشان داد که تمرکز بیشتر تحقیقات انجام شده در ایران، با تکیه بر نظریه‌های انتخاب عقلانی و تبیین ساختاری، بر تأثیر مشخصه‌های اقتصادی و اجتماعی چون درآمد، تحصیلات، و موقعیت اجتماعی می‌باشد و علیرغم اینکه تقریباً در تمامی مطالعات به نقش عوامل فرهنگی در رفتارهای باروری اشاره می‌شود، اما رابطه باروری با دینداری به عنوان یک عامل فرهنگی کمتر مورد توجه محققین قرار گرفته است. بهتر است در تبیین باروری ضمن توجه به عوامل اقتصادی اجتماعی، متغیرهای مبتنی بر ارزش‌ها و به ویژه دینداری نیز مد نظر قرار گیرد. از این رو در این مقاله رابطه دینداری با تعداد فرزندان قصد شده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

با توجه به اینکه اکثریت افراد در جامعه ما دین اسلام و مذهب شیعه دارند لازم است در مطالعات مربوط به دینداری و باروری، علاوه بر مذهب، تأثیر دینداری بر باروری نیز توجه

1 Sandra

2 Hammel

شود. در این مطالعه با فرض اینکه افراد با دینداری بالاتر نسبت به افراد با دینداری کمتر قصد فرزندآوری بیشتری دارند، در پی پاسخگویی به این سئوالات اساسی هستیم که آیا رابطه معنی‌داری بین دینداری افراد و تعداد فرزندان قصد شده وجود دارد؟ و با توجه به اینکه تحقیقات پیشین ما نشان می‌دهد گروه‌های اجتماعی مختلف قصد و رفتار متفاوتی در فرزندآوری دارند آیا با وجود تفاوت‌های اقتصادی اجتماعی، همچنان دین عامل اثرگذاری بر قصد فرزندآوری خواهد بود؟ همچنین با توجه به اینکه تحقیقات پیشین نشان می‌دهد زنان از مردان دیندارترند (مدیری و آزادارمکی ۱۳۹۲)، آیا دینداری و قصد فرزندآوری در میان زنان و مردان متأهل رابطه یکسانی دارد یا در این حوزه تفاوت‌هایی جود دارد؟

از آنجا که در شهر تهران به دلیل مهاجرپذیری بالا، خانواده‌ها از شهرها و استان‌های مختلف با سطوح متفاوتی از دینداری و وضعیت اقتصادی اجتماعی سکونت دارند که می‌تواند باعث تفاوت در نگرش‌ها و رفتارهای باروری آنها شود، بررسی این موضوع در شهر تهران قابل توجه خواهد بود. تمرکز مقاله بر رابطه میان دینداری و قصد فرزندآوری افراد متأهل و همچنین رابطه دینداری با قصد فرزندآوری به تفکیک جنسیت خواهد بود.

ملاحظات نظری

در رابطه میان دین و حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی سه رویکرد اساسی به چشم می‌خورد. رویکرد اول نشان می‌دهد تأثیر دین بر حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی همانند جوامع سنتی بر تمام ابعاد زندگی جاری و برقرار است. در تحقیقات هربرگ^۱ و لنسکی^۲ که بر ایالات متحده امریکا متمرکز است نشان داده شده، تأثیر مذهب بر حوزه‌های دیگر اجتماعی مانند جوامع سنتی برقرار است و ارزش‌های حوزه‌های مختلف زندگی توسط ارزش‌های مذهبی هدایت می‌شوند. هربرگ از تحقیقات خود نتیجه گرفته در شرایط کاملاً واضح سکولار در بسیاری از کشورها، امریکایی‌ها فکر می‌کنند، احساس و عمل می‌کنند که نوع احساس، فکر و عمل ایشان متأثر از ارزش‌های مذهبی است و نشان از احیای گسترده مذهب دارد (هربرگ ۱۹۹۵ به نقل از هالمن و

1 Herberg

2 Lenski

پیترسون^۱ (۱۹۹۶: ۳۱). لنسکی نیز نشان می‌دهد مذهب در ابعاد مختلف زندگی روزمره زنان و مردان امریکایی نفوذ فراوان دارد و بیش از آن بر سیستم‌های نهادی جامعه که مشارکت‌های فردی را سبب می‌شود تأثیر دارد (لنسکی ۱۹۶۱ به نقل از هالمن و پیترسون ۱۹۹۶).

رویکرد دوم که بر تئوری تمایز^۲ استوار است معتقد است امروزه دین به عنوان یکی از حوزه‌های نهادی در زندگی با حوزه‌های دیگر اجتماعی رقابت می‌کند و به نظر می‌رسد دین بخش قابل توجهی از جذابیت خود را در تعداد زیادی از مردم جهان غرب از دست داده است. تأثیر مذهب به عنوان یک زیرسیستم در کنار زیرسیستم‌های دیگر کاهش یافته، سیستم‌های اعتقاد به باورهای مذهبی و موعظه‌های کلیسا که قابل پذیرش اکثریت مردم بود توسط نظام‌های باور فردی و اعتقادات اجتماعی اخلاقی جایگزین شده و دین، آزاد از کارکردهای اجتماعی سابق خود، به یک موضوع خصوصی تبدیل شده است. بر این اساس در جامعه معاصر در جهان‌های مختلف معنا، هر اداره توسط مجموعه‌ای از ارزش‌های خود و نه توسط یک مجموعه واحد منسجم ارزش‌ها هدایت می‌شود و ارزش‌های حاکم بر حوزه‌های مختلف زندگی دیگر، نه توسط باورهای مذهبی، بلکه با عقلانیت خود مختار هدایت می‌شوند (مانچ^۳ ۱۹۹۰: ۴۴۱؛ اسملسر^۴ ۱۹۷۳؛ ۱۹۹۰؛ دابلیو^۵ ۱۹۹۳؛ هالمن و مور^۶ ۱۹۹۴).

رویکرد سوم بر اساس تئوری قطعه‌قطعه شدن ارزش‌ها^۷ نشان می‌دهد که تأثیر مذهب بر تمام حوزه‌ها یکسان نبوده و عرصه‌های خصوصی را بیش از عرصه‌های عمومی تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطالعات متعدد نشان می‌دهد که در جامعه امروز مذهب هنوز هم منبع مهم برای نگرش‌ها، هنجارها و ارزش‌ها در قلمرو زندگی خانوادگی است اما از اهمیت کمتری برای ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارها در حوزه عمومی به عنوان مثال سیاست، اقتصاد و کار برخوردار است. این تحقیقات نشان می‌دهند نگرش‌ها و رفتارهای وابسته به زندگی خانوادگی مانند انتخاب شریک زناشویی، کیفیت زندگی زناشویی، حجم خانواده، زمان تشکیل خانواده، نگرش

1 Halman, Pettersson

2 Differentiation theory

3 Munch

4 Smelser

5 Dobbelaere

6 Halman & Moor

7 Fragmentation value theory

نسبت به نقش‌های جنسیتی، نگرش‌ها و رفتارهای جنسی تحت تأثیر قوی اعتقادات مذهبی است و ارزش‌های مذهبی اهمیت کمتری در تبیین مشارکت سیاسی و رفتار رای‌گیری افراد دارد (الیسون و شرکت^۱ ۱۹۹۳: ۳۱۳؛ جاگوزینسکی^۲ ۱۹۹۶؛ فن^۳ ۱۹۷۲: ۳۱؛ تامنی و جانسون^۴ ۱۹۸۵: ۳۷۰؛ دیویدسو و کادل^۵ ۱۹۹۴: ۱۴۲).

در جمعیت‌شناسی تحقیقات گسترده‌ای عمدتاً بر اساس فرضیه‌های مطرح شده گلدشایدر^۶ به تبیین پیوند بین باروری و عناصر مذهبی پرداخته‌اند. گلدشایدر در مورد چگونگی تأثیر مذهب بر باروری سه فرضیه مهم مطرح می‌کند:

فرضیه‌ی مشخصه‌ها^۷: این فرضیه بر این عقیده است که تفاوت باروری نمایانگر تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی گروه‌های مذهبی می‌باشد و مذهب به عنوان معرفی از تحصیلات، شغل، درآمد، محل سکونت و تحرک اجتماعی مدنظر قرار می‌گیرد (لوکاس و میر ۱۳۸۷: ۱۰۲). بر اساس این فرضیه زمانی که اثر همه متغیرها در نظر گرفته می‌شوند مذهب تأثیری بر رفتارهای باروری ندارد (بودین ۲۰۱۵: ۴۰۲).

فرضیه‌ی الهیات ویژه^۸: این فرضیه بیان می‌کند مذاهب نگرش خاصی به باروری دارند و هر یک از گروه‌های مذهبی، آموزه‌های خاصی درباره فرزندآوری و استفاده از وسایل پیشگیری از حاملگی دارند. گروه‌های مذهبی که هنجار باروری و یا ارزش‌های خانوادگی بالاتر دارند، نسبت به سایر گروه‌های مذهبی باروری بالاتری دارند.

فرضیه موقعیت گروه اقلیت^۹: بر اساس این فرضیه موقعیت گروه اقلیت ممکن است نقش بسیار مهمی در شکل دهی به الگوهای جمعیتی یک گروه مذهبی یا قومی ایفا کند (مک‌کوئیلان^{۱۰} ۲۰۰۴). این فرضیه به تعامل موقعیت اقتصادی و اجتماعی و باروری در

1 Ellison & Sherkat

2 Jagodzinski

3 Fenn

4 Tamney & Johnson

5 Davidso, Caddell

6 Goldscheider

7 The Characteristics Hypothesis

8 The Particularized Theology Hypothesis

9 The Minority Group Satus Hypothesis

10 McQuillan

گروه‌های قومی یا نژادی تأکید دارد. موقعیت گروه اقلیت در دو حالت متفاوت بر باروری اثر می‌گذارد. در حالت اول با توجه به در حاشیه بودن اعضا، گروه اقلیت سعی می‌کند خود را به اکثریت نزدیک نمایند و یکی از استراتژی‌های برای ایجاد نزدیکی و کاهش تفاوت‌های بین گروه اقلیت با گروه اکثریت، کاهش باروری است (گلدشایدر و اولنبرگ ۱۹۶۹). حالت دوم زمانی است که گروه اقلیت به دنبال حفظ ارزش‌ها و هنجارهای گروهی خود است. در این شرایط برخی ارزش‌ها و هنجارها مانند تعداد فرزندان ایده آل بیشتر و ارزش داشتن خانواده بزرگ حفظ می‌شود (بین و مارکوم ۱۹۷۸).

مک‌کوئیلان (۲۰۰۴) بر این سوال تمرکز می‌کند که چه هنگام مذهب بر باروری تأثیر می‌گذارد؟ وی بر اساس فرضیات گلدشایدر استدلال کرد که مذهب بر قوانین سازمان‌های اجتماعی، هنجارهای مربوط به کنترل باروری، روابط جنسیتی، ارزش‌های مربوط به جنسیت، روابط جنسی و زندگی خانوادگی و همچنین تنظیمات باروری تأثیر می‌گذارد. مک‌کوئیلان رویکرد گلدشایدر را به سه عنصر توسعه داد و در واقع سه شرط برای تأثیر مذهب بر باروری مطرح کرده است. ماهیت هنجارها و ارزش‌های مذهبی، نهادهای مذهبی و هویت مذهبی. اول اینکه مذهب هنجارهای رفتاری راجع به رفتارهای باروری دارد. این قوانین، رفتارهایی را تنظیم می‌کند که مستقیماً با تعیین کننده‌های بلافصل باروری، نظیر وسایل پیشگیری، عقیم‌سازی و سقط جنین مربوط می‌باشند. همچنین رهنمودهایی در خصوص ورود به واحدهای جنسی و نکاحی، ارتقاء خانواده‌های بزرگ و حتی اعتقاداتی درباره نقش‌های زنان و مردان ارائه می‌دهد که بر باروری اثر می‌گذارد. دوم سازمان‌ها و یا نهادهای مذهبی که قادر هستند یا از طریق تأثیرات اجتماعی و یا مجازات‌هایی برای رعایت هنجارها و قوانین، اجرای این قوانین را توسط پیروانش تقویت کند. سوم مذهب، هویت فردی و اجتماعی به پیروانش می‌دهد. رهبران مذهبی هنجارها را بیان می‌کنند و در اجتماعات محلی این هنجارها پرورش می‌یابد. برای مثال اسلام معرف هویت مسلمانان است و تأثیرات بر رفتارهای باروری در زمان و مکان‌های مختلف متفاوت است و بستگی به تفسیر علمای اسلامی دارد که می‌توانند آموزه‌ها را با محیط اطراف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود وفق دهند. در همین راستا هی‌فورد و مورگان (۲۰۰۸) به

اهمیت هویت مذهبی در شکل‌گیری رفتارها تأکید می‌کنند. به نظر آنها این هویت مذهبی که در جهان معاصر به عنوان فرهنگ درک می‌شود ریشه در روش‌های مختلف "دیدن جهان" یا فریم وقایع دارد. جهان‌بینی و یا مطابق با هی‌فورد و مورگان طرح‌واره‌های مذهبی، اغلب نگرش‌ها و ارزش‌ها در مورد رفتار مناسب مربوط به خانواده را ایجاد می‌کنند. این گونه است که نگرش‌های یک فرد مذهبی با نگرش‌ها در مورد ارزش خانواده بزرگ همپوشانی پیدا می‌کند. این جهان‌بینی توسط نهادهای محلی و ملی پشتیبانی می‌گردد. ارائه دین در فرهنگ عامه و یا گفتمان سیاسی نیز ممکن است جهان‌بینی را شکل دهد. بدین ترتیب در یک جامعه مذهبی ارتباط بین اعتقادات مذهبی و ارزش‌ها و رفتارهای محافظه کارانه خانواده در سراسر حوزه‌های مختلف خانواده، از جمله ثبات زناشویی، روابط پدر و مادر با فرزند، و نگرش نسبت به زندگی مشترک، ارتباط جنسی قبل از ازدواج نقش بسته است (کال، هیتن و تیم^۱، ۱۹۹۷). از نظر هی‌فورد و مورگان ارتباط بین اعتقادات مذهبی و باروری به ارتباط بین مذهب و ایدئولوژی خانواده مرتبط است نه بیان جهت‌گیری یک دین خاص در خصوص طرفداری از افزایش جمعیت. به عبارتی بخش قابل توجهی از تفاوت در باروری به تفاوت در ایدئولوژی خانواده از جمله اهمیت ازدواج و پدر و مادر شدن، پذیرش روابط جنسی بدون ازدواج، و نقش‌های جنسیتی در خانواده مربوط است.

هارت^۲ (۲۰۰۴) به نقش مذهب در جهان‌بینی افراد تأکید می‌کند. بر طبق نظر او بدون اعتقادات مذهبی آینده‌ای وجود ندارد و از این رو دلیل خوبی برای ادامه باروری وجود ندارد. امید به آینده زندگی ما را معنا می‌بخشد و زمانی که این امید نباشد مفاهیم زیادی از خانواده ضعیف می‌شوند و فردگرایی و توجه به خود برجسته می‌شود و در این شرایط نرخ باروری نیز کاهش می‌یابد (هارت ۲۰۰۴: ۶). از نظر بیزین و وردایر^۳ (۲۰۰۱) محیط مذهبی و فرهنگی که افراد دوران کودکی خود را در آن گذرانده‌اند ترجیحات و رفتارهای آینده آنها را شکل داده است. شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی با تجارب بچگی (آموزش از طریق خانواده یا تماشای فعالیت‌های مذهبی) آغاز

1 Call, Heaton and Tim

2 Hart

3 Bisin and Verdier

می‌گردد. افرادی که در خانوارهایی با پدر و مادر مذهبی رشد می‌کنند که موافق با خانواده بزرگ هستند و با استفاده از وسایل پیشگیری و سقط جنین مخالفند، ممکن است ارزش‌هایی را درونی کنند که آنها را به سمت فرندآوری بالاتر سوق دهد.

رویکرد دیگری تأثیر سکولاریسم^۱ در رفتارهای جمعیتی را مورد توجه قرار داده است. سکولاریسم و اعتقادات و رفتارهای مذهبی جزء آیتم‌های ارزشی هستند که مولفه‌های اساسی بررسی‌های مربوط به انتقال دوم جمعیتی هستند (سوروکین و لستهاق^۲، ۲۰۰۴). از نظر ویگل^۳ (۲۰۰۵) نیز دلایل اقتصادی، جامعه‌شناختی، روانشناختی و حتی دلایل ایدئولوژیک وجود دارد که نرخ تولد در اروپا برای چندین دهه به زیر سطح جایگزینی رسیده است. ریشه‌های تقریبی این مشکل به اروپای قرن نوزدهم به درام اومانیزم^۴ الحادی و پیروزی سکولاریسم، بازمی‌گردد (ویگل ۲۰۰۵ به نقل از فرکا و وستاف^۵، ۲۰۰۶: ۱۲).

از سوی دیگر نوریس و اینگلهارت^۵ (۲۰۰۴) در پیمایش جهانی ارزش‌ها به این نتیجه رسیدند که سکولاریسم، در حال افزایش است اما این به معنی این نیست که جهان به عنوان یک کل کمتر مذهبی شده است. آنها توضیح می‌دهند که مدرنیزاسیون در شرایطی اتفاق می‌افتد که آسیب‌پذیری و خطرات اجتناب‌ناپذیر در حال کاهش باشد. شرایط نابرابر اقتصادی اجتماعی امنیت انسان‌ها را متأثر می‌سازد. در جوامع کمتر توسعه یافته، احساس امنیت پایین‌تر و ارزش‌های مذهبی با اهمیت‌تر هستند. با فرصت‌شناسی شدن جوامع، ارزش‌های سکولار عقلانی بر ارزش‌های سنتی و ارزش‌های ابراز وجود بر ارزش‌های بقا پیشی می‌گیرند. به گونه‌ای که زمانی که جوامع ثروتمند می‌شوند عقل‌گراتر می‌شوند، موقعیت زنان تغییر می‌کند، فردگرایی بالا می‌رود و رشد جمعیت و باروری کم می‌شود. در کشورهای فقیری که امنیت نسبتاً کمی وجود دارد، باروری و رشد جمعیت بالاتر است.

1 Secularism

2 Surkyn & Lesthaeghe

3 Weigel

4 Humanism

5 Norris & Inglehart

پیشینه تحقیق

دو دسته مطالعات در حوزه مذهب و باروری وجود دارد. دسته اول به تفاوت سطح باروری در گروه‌های مختلف مذهبی می‌پردازد. این دسته که بخش زیادی از مطالعات را در بر می‌گیرد، بر اساس فرضیه‌های گلدشایدر (۱۹۷۱) انجام شده است. مورگان و همکاران (۲۰۰۲) با ارائه شواهدی از کشورهای آسیایی نشان دادند که مسلمانان در مقایسه با غیرمسلمانان باروری بالاتر دارند. تعدادی از مطالعات در هند از جمله آیر^۱ (۲۰۰۲) به مقایسه باروری هندوها با مسلمانان پرداختند. برخی بر اساس فرضیه الهیات ویژه استدلال می‌کنند که باروری بالاتر مسلمانان ناشی از اعتقادات مذهبی است که تنظیم خانواده را رد می‌کند و چند همسری را جایز می‌داند. جفری^۲ و جفری (۲۰۰۰) طرفدار فرضیه مشخصه‌ها هستند و معتقدند عواملی که مرتبط با مذهب نیستند نرخ‌های مختلف باروری را بین گروه‌های مختلف مذهبی تبیین می‌کنند و اگر سایر متغیرها نظیر تحصیلات، منطقه سکونت، وضعیت اقتصادی کنترل شوند تفاوت‌های باروری از بین می‌روند. میسرا^۳ (۲۰۰۴) در مطالعه‌ی تفاوت باروری زنان مسلمان و غیرمسلمان در هند، عوامل اقتصادی و اجتماعی را تأثیرگذار نمی‌داند و به این مسأله اشاره می‌کند که باروری زنان مسلمان بیشتر تابع استفاده از روش‌های موقتی در مقایسه با روش‌های عقیم‌سازی، اعتماد بیشتر به خدمات بخش خصوصی و مخالفت با کنترل بارداری به دلایل مذهبی است.

محمودیان و کارمیچائیل^۴ (۱۹۹۸) باروری زنان مسلمان و غیرمسلمان را در استرالیا بررسی نمود. نتایج کاهش باروری بیشتر مسلمانان نسبت به غیرمسلمان را نشان داد. بر اساس این مطالعه کاهش باروری زنان مسلمان در تمامی گروه‌های سنی صورت گرفته، در صورتی که در مورد زنان غیرمسلمان فقط در دو گروه سنی اول انجام گرفته است. علیرغم کاهش بیشتر باروری زنان مسلمان، سطح باروری آنها بیشتر از زنان غیرمسلمان می‌باشد.

در ایران در مطالعات معدودی رفتارهای باروری زنان شیعه و سنی مورد بررسی قرار گرفته است. عباسی شوازی در مطالعه‌ای تحولات باروری را در چهار استان آذربایجان غربی، گیلان،

1 Iyer

2 Jeffery

3 Mishra

4 Carmichael

سیستان و بلوچستان و یزد مورد بررسی قرار داده است. بر اساس نتایج این مطالعه در استان‌های سیستان و بلوچستان و آذربایجان غربی باروری زنان سنی (۴/۸ فرزند) نسبت به زنان شیعه (۳/۴ فرزند) در سطح بالاتری قرار دارد و در مورد اجرای برنامه‌های تنبیهی دولت در قبال کاهش باروری، زنان شیعه دیدگاه مثبت‌تری به مسأله‌ی مورد بررسی داشته‌اند (عباسی شوازی و دیگران ۱۳۸۳).

محمودیان و نویخت (۱۳۸۹) در بررسی تحلیل رفتار باروری گروه‌های سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس نشان دادند که زنان سنی میزان باروری بالاتری را نسبت به زنان شیعه داشته‌اند. هرچند بعد از ورود متغیرهای کنترل، از تفاوت باروری دو گروه مذهبی کاسته شد، اما تفاوت باروری همچنان معنادار باقی ماند. این تفاوت می‌تواند از طریق پابندی به ارزش‌های مذهبی و غیر مذهبی گروه خودی در مقابل گروه بیرونی تبیین شود.

دسته دیگر از مطالعات که سهم کمتری در مطالعات مربوط به مذهب و باروری دارند، تأثیر دینداری را بر باروری بررسی کرده‌اند. نئومن و زایدنمن^۱ (۱۹۸۶) رابطه بین دینداری و باروری را در بین مردان یهودی بررسی کرد. دینداری در این مطالعه از طریق زمانی که افراد به فعالیت‌های مذهبی اختصاص می‌دهند سنجیده شد. نتایج این مطالعه رابطه مثبت قوی بین دینداری با باروری را نشان داد. مطالعات زیادی نیز رابطه دینداری با باروری را در بین کاتولیک‌ها آزمون کردند. نتایج این مطالعات نشان دادند افرادی که تمایلات بالاتری برای کلیسا دارند باروری بالاتر دارند (هینک^۲ ۲۰۰۶؛ سندر^۳ ۱۹۹۲؛ ادسرا^۴ ۲۰۰۶). هینک (۲۰۰۶) رابطه بین مذهب و باروری را در اتریش بررسی کرد. نتایج مطالعه وی نشان داد که زنانی که اعتقادات کاتولیکی قوی دارند، خانواده‌های بزرگتری نسبت به زنان بدون اعتقادات مذهبی دارند. ادسرا (۲۰۰۶) در اسپانیا نشان داد مذهبی بودن که به وسیله تمایلات کلیسا اندازه‌گیری می‌شود، تأثیر مثبت و معناداری هم روی اندازه خانواده و هم زمان موالید دارد.

گرچه بسیاری از مطالعات نقش مذهب را در باروری زنان بررسی کرده‌اند، زانگ^۴ (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای تأثیر مذهب و دینداری را بر باروری زنان و مردان ۴۴-۱۵ ساله در ایالات متحده

1 Neuman and Ziderman

2 Heineck,

3 Sander

4 Zang

بررسی کرد. نتایج این مطالعه نشان داد تفاوت زیادی بین باروری در گروه‌های مذهبی مختلف وجود ندارد، اما بین دینداری بخصوص اعتقادات مذهبی و باروری رابطه معنادار است. بر اساس این مطالعه رفتارهای مذهبی و یا جنبه‌های رفتاری مذهبی تأثیر معناداری بر باروری ندارد، اما اعتقادات مذهبی اهمیت دارد. همچنین گرچه به لحاظ دینداری بین زنان و مردان تفاوت وجود دارد، اما تأثیر مذهب و دینداری بر روی باروری بین زنان و مردان تفاوتی با یکدیگر ندارد.

هی‌فورد و مورگان (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با استفاده از داده‌های پیمایشی ملی رشد خانواده در آمریکا نشان دادند که نرخ باروری واقعی و تمایل به فرزنددار شدن، در زنانی که معتقدند دین در زندگی روزمره خیلی مهم است بالاتر از کسانی است که معتقدند دین مهم نیست یا اهمیت کمتری دارد.

یکی از سئوالاتی که برای بسیاری از محققین مطرح بوده این است که چرا باروری در آمریکا بالاتر از اروپا است؟ فرکا و وستاف (۲۰۰۶) در مطالعه‌ای تأثیر دینداری را بر رفتارهای باروری امریکایی‌ها و اروپاییان آزمون کردند. اگرچه شواهد زیادی درباره نقش مهم دینداری و مذهب در زندگی امریکایی‌ها نسبت به اروپاییان وجود دارد، اما شواهد زیادی نیز ترکیب قومی و مهاجری، ماهیت سیستم اقتصادی، تغییرات نگرشی و نرخ بالای حاملگی‌های ناخواسته و ... را در باروری بالای آمریکا مؤثر می‌دانند. از این رو این محققین با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی به آزمون رابطه دینداری با باروری پرداختند. بر اساس این مطالعه در حالی که ۵۰ درصد از زنان امریکایی اظهار داشتند که مذهب در زندگی‌شان خیلی مهم است، فقط ۱۶ درصد زنان اروپایی در این گروه قرار می‌گیرند. در مجموع هم به لحاظ اهمیت مذهب و هم فراوانی حضور در مناسک مذهبی، امریکایی‌ها مذهبی‌تر از اروپاییان هستند. نتایج این مطالعه باروری بالاتر امریکایی‌ها نسبت به اروپاییان را نشان داد. نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که در حضور سایر متغیرها در آمریکا دو شاخص دینداری یعنی اهمیت مذهب در زندگی روزمره و فراوانی حضور در کلیسا، معنادار است اما در اروپا اهمیت مذهب نسبت به فراوانی حضور در کلیسا، پیوند بیشتری با باروری دارد. در اروپای جنوبی نیز زنانی که مذهب را مهم می‌دانند نسبت به سایر افرادی که احساس نمی‌کنند مذهب اهمیتی دارد، ۷۶ درصد احتمال بیشتری دارد

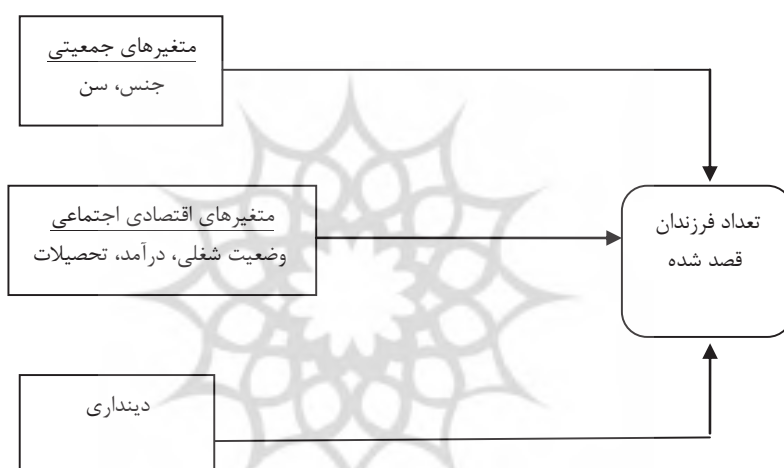
که دو بچه و بیشتر داشته باشند. علاوه بر آن، نتایج نشان داد اگر زنان اروپایی به لحاظ این دو شاخص مشابه زنان امریکایی شوند، باروری زنان ۱۸ تا ۴۴ ساله، ۱۴ درصد بیشتر است. اگر زنان امریکایی به لحاظ فراوانی حضور در کلیسا شبیه اروپاییان شوند، باروری ۷ درصد کمتر می‌شود و اگر به لحاظ اهمیت مذهب شبیه شوند ۲۳ درصد کمتر می‌شود. و برای زنان ۴۴-۳۵ ساله بر اساس حضور در کلیسا ۶ درصد و بر طبق اهمیت مذهب ۱۸ درصد کمتر خواهند شد. نوریس و اینگلهارت (۲۰۰۴) در پیمایش مطالعات ارزشی جهان فرایند سکولاریسم را در ۷۹ کشور تحلیل کرده‌اند. آنها مقایسه‌ای بین باروری ملت‌های بسیار سکولار، متوسط و بسیار مذهبی انجام دادند و نشان دادند که در حالی که همه زنان در اواخر دهه ۳۰ سالگی شان بچه‌های کمی به دنیا آورده‌اند، با این حال تفاوت قابل توجهی بین جوامع بسیار سکولار و مذهبی وجود دارد و جوامع مذهبی بطور معناداری سطوح بالاتری از باروری را نسبت به جوامع سکولار دارند. همچنین نتیجه این پیمایش نشان داد که جوامع فقیر دو برابر جوامع ثروتمند، مذهبی هستند و باروری بالاتری نیز دارند.

براناس- گارزا^۱ و نئومن^۲ (۲۰۰۶) رابطه بین دینداری و باروری را در میان کاتولیک‌ها در اسپانیا بررسی کردند. پاسخگویان در این مطالعه به لحاظ مذهب همگن بودند و از این رو تمرکز اساسی بر ارتباط دینداری با باروری بود تا گروه مذهبی. نتایج نشان داد بیش از دو سوم از پاسخگویان در مراسم مذهبی جمعی به ندرت شرکت می‌کردند. همچنین این افراد در دوران بچگی عادت به رفتن در این مراسم جمعی داشته‌اند و دو سوم تا زمانی که ۱۲ ساله شدند هر هفته به کلیسا می‌رفتند. کمتر از ۱۵ درصد به صورت منظم در کلیسا حضور پیدا می‌کردند. نتایج نشان داد که باروری کنونی، ارتباطی با شدت دینداری کنونی ندارد. در معرض فعالیت‌های مذهبی قرار گرفتن در دوران بچگی تأثیر معناداری روی باروری زنان دارد اما روی مردان اثری ندارد. مشارکت پدر در فعالیت‌های جمعی و مراسم مذهبی تأثیر معناداری بر افزایش باروری افراد داشته اما مشارکت مادر تأثیر کاهشی داشته است. مشارکت خود فرد در فعالیت‌های جمعی در دوران بچگی اثر مثبتی بر فرزندآوری داشته و افرادی که در دوران بچگی در این فعالیت‌های جمعی شرکت کرده‌اند، حدود ۰/۶ بچه بیشتر به دنیا آورده‌اند.

1 Branas-Garza

2 Neuman

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پیشینه تحقیق، و با توجه به تاریخچه مذهبی جامعه ما و تأثیرگذار بودن دین بر همه حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی، چارچوب نظری این تحقیق مبتنی بر رویکرد تداوم تأثیر دین، تئوری قطعه قطعه شدن ارزش‌ها و فرضیه الهیات ویژه است که هر یک به نوعی به تأثیر دین بر قصد باروری اشاره دارند. مدل مفهومی تحقیق به صورت نمودار ۱ می‌باشد.



نمودار ۱. مدل مفهومی تحقیق

مرور مطالعات نشان می‌دهد محققان زیادی سعی در تبیین رابطه تفاوت‌های باروری بر اساس متغیرهای مذهبی داشته‌اند، اما توجه به رابطه‌ی میان این دو موضوع در تحقیقات داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است و غالب تحقیقات داخلی از منظر عوامل نهادی و ساختی همچون تحصیلات، قومیت، نوسازی و ... به بررسی باروری پرداخته‌اند؛ ضمن اینکه مطالعاتی که این موضوع را مورد توجه قرار داده‌اند، تفاوت‌های باروری را در گروه‌های مختلف مذهبی بررسی کرده‌اند. این مقاله در امتداد آن دسته از تحقیقات قرار می‌گیرد که رابطه دینداری با قصد فرزندآوری را روی نمونه‌ای از جمعیت مسلمان آزمون می‌کند. به عبارتی در این مقاله ما

مقایسه‌ای روی باروری گروه‌های مذهبی نخواهیم داشت. چنین مقایسه‌هایی مناسب جوامع با ادیان و مذاهب متعدد می‌باشد. در جامعه ایران ۹۹/۴ درصد جمعیت کشور مسلمان هستند (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰) بر این اساس فرض ما اینست که:

- این جمعیت مسلمان به لحاظ مشخصه‌های دینداری تفاوت‌هایی با یکدیگر دارند که این تفاوت‌ها بر قصد فرزندآوری آنها تأثیر دارد.
- از آنجا که تأثیر دینداری بر حوزه خانواده در مطالعات متعدد تأیید شده تأثیر دینداری بر قصد باروری در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی اثرگذار، همچنان پابرجاست.
- از آنجا که زنان دیندارتر از مردان هستند، تأثیر دینداری بر قصد فرزندآوری در زنان متفاوت از مردان است.

روش و داده‌ها

این مطالعه کمی می‌باشد و داده‌ها حاصل پیمایشی مقطعی با عنوان سبک زندگی متاهلین و تعیین کننده‌های آن در شهر تهران است که در سال ۱۳۹۴، با ابزار پرسشنامه در مقیاس لیکرت جمع آوری شده و جامعه آماری آن افراد متاهل شهر تهران بوده است (مدیری ۱۳۹۴). جمعیت تهران در سال ۱۳۹۰ بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران ۸۱۵۳۹۷۴ نفر بوده که در ۶۰۱۴ حوزه سکونت دارند و ۴۲۶۲۰۴۷ نفر از این تعداد متاهل می‌باشند (مرکز آمار ایران ۱۳۹۰).

با توجه به حجم بالای جامعه آماری و محدودیت زمان و بودجه، پژوهش، در نمونه‌ای معرف و متناسب با شرایط انجام شده است. حجم نمونه بر اساس خطای نمونه‌گیری در سطح اطمینان ۹۵ درصد و با خطای نمونه‌گیری ۰/۰۵ بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر در نظر گرفته شده است. با توجه به اینکه فرمول کوکران فرمول نمونه‌گیری تصادفی ساده است و با احتساب اثر طرح^۱ برابر با ۲ و ضریب تعدیل بی پاسخی ۰/۲۵ حجم نمونه ۱۷۲۸ در نظر گرفته شده و با احتساب ریزش احتمالی خانوارهای نمونه (تقریباً برابر ۰/۱۵)، متناسب با این نرخ در آمارگیری خانواده مرکز آمار ایران) به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است. نمونه‌ها متاهل بوده و از هر خانوار مرد یا زن برای مصاحبه دعوت شده‌اند. شیوه نمونه‌گیری، خوشه‌ای چند مرحله‌ای

(PPS)^۱ بوده است. به این منظور ابتدا تعداد متاهلین مناطق ۲۲ گانه شهر تهران (۴۷۰۴۷ نفر) را در نظر گرفتیم و سپس با توجه به جمعیت هر منطقه تعداد نمونه هر منطقه را مشخص کردیم. برای دست یابی به نمونه‌ها در هر منطقه، با توجه به تفاوت‌های فرهنگی اجتماعی و اقتصادی موجود بین مناطق شهر تهران و به منظور انتخاب نمونه‌ای معرف از این مناطق از تقسیم جمعیت شهر تهران (۸۱۵۳۹۷۴)، بر ۵۰ حوزه فاصله انتخاب ۱۶۳۰۷۹٫۴۸ بدست آمده است. اولین حوزه به شکل تصادفی انتخاب شده و سپس با اضافه کردن فاصله انتخاب به اولین حوزه، حوزه دوم و به همین ترتیب حوزه‌های دیگر انتخاب شده‌اند. با توجه به جمعیت هر منطقه و حوزه‌های انتخاب شده در آن منطقه و همچنین جمعیت هر حوزه، تعداد نمونه‌ها در هر حوزه مشخص شد. به این ترتیب پراکندگی حوزه‌های انتخاب شده، در عمل پراکنش متغیرهای تحت مطالعه را تا حد قابل ملاحظه‌ای تأمین کرده است.

نقشه‌های حوزه‌های منتخب از هر حوزه از مرکز آمار ایران تهیه شده است. جهت نمونه‌گیری، پرسشگران با مراجعه به حوزه‌های منتخب نمونه‌گیری و درب منازل افراد، اقدام به جمع‌آوری داده‌های پرسشنامه نهایی که بعد از تهیه پرسشنامه مقدماتی و آزمون مقدماتی آن تایید شده بود، نموده‌اند. نمونه‌گیری با همکاری بیش از ۱۰ پرسشگر در آبان، آذر و دی ماه ۱۳۹۴ انجام شده است. پس از حذف پرسشنامه‌های با بی‌پاسخی بالا و نامعتبر، در نهایت ۱۷۳۶ پرسشنامه انتخاب شده است. جهت اعتبار و پایایی متغیرها از اعتبار صوری مبتنی بر داوری و قضاوت متخصصان استفاده شد و در پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. از آنجا که این مقاله به بررسی تأثیر دینداری بر باروری متمرکز است، تنها نمونه‌هایی که در آن سن زن در خانواده ۱۵ تا ۴۹ سال بوده در نظر گرفته شده‌اند. بر این اساس ۱۲۷۲ نمونه انتخاب و تجزیه تحلیل انجام شده است.

غالباً رگرسیون خطی زمانی کاربرد مناسب‌تری دارد که میانگین تعداد فرزندان قصد شده بزرگ باشد، اما در جوامع با نرخ پایین باروری، برای پیش بینی تعداد فرزندان قصد شده، استفاده از مدل رگرسیون پواسن^۲ کارایی بیشتری دارد. همچنین تعداد فرزندان قصد شده یک

1 Probability proportional to size

2 Poisson regression

متغیر شمارشی، گسسته و غیر منفی است، لذا مدل‌های رگرسیون پواسن از نظر آماری مدل‌های مناسب‌تری هستند (باقری، رازقی نصرآباد و سعادت‌ی در دست چاپ). لانگ و فرس^۱ (۲۰۰۶) در این باره اظهار می‌دارند که منظور مدل‌سازی این متغیرها باید از روش‌هایی به غیر از رگرسیون خطی مجموع مربعات معمولی استفاده نمود، زیرا استفاده از این روش‌ها منجر به ایجاد برآوردهایی ناکارا، ناسازگار و اریب برای پارامترهای رگرسیونی می‌گردند. در حالی‌که مدل‌های رگرسیون پواسن، برآوردهای کاراتری را در این حالت تولید می‌کنند بنابراین در این تحقیق از تحلیل‌های توصیفی و نیز از تحلیل عامل اکتشافی، همبستگی اسپیرمن و رگرسیون پواسن در تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

همانگونه که پیشتر توضیح داده شد در این مقاله رابطه میان دینداری و قصد فرزندآوری مد نظر است. از این رو متغیر وابسته قصد فرزندآوری است:

قصد فرزندآوری^۲: این متغیر کمی گسسته غیر منفی می‌باشد و مجموع تعداد فرزندان است که است که پاسخگو در حال حاضر دارد و تعداد فرزندان که قصد دارد در آینده به دنیا بیاورد.

متغیر مستقل دینداری: از دید دورکیم دین عبارتست از دستگامی هم‌بسته از باورها و اعمال مربوط به امور لاهوتی و همه کسانی را که پیرو آن هستند در یک اجتماع اخلاقی واحد به نام امت متحد می‌کند (همیلتون ۱۳۸۱: ۹۷) دینداری به بیانی کلی یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد (هیمل‌فارب^۳ ۱۹۷۵ به نقل از شجاعی زند ۱۳۸۴: ۴۱). در این پژوهش بر اساس مطالعه هوبر و هوبر^۴ و فرم کوتاه شده دینداری که ابعاد فکری، اعتقادی، مناسکی، عاطفی و پیامدی دین را در بر می‌گیرد (هوبر و هوبر ۲۰۱۲)، دینداری با ۶ گویه دوست دارم موضوعات مذهبی را بیشتر یاد بگیرم، بعد از مرگ قیامت وجود دارد و به اعمال ما رسیدگی خواهد شد، بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام پوچ و بی‌هدف است، باید با قاطعیت با بد حجایی مبارزه کرد، نمازهای یومیه واجب خود را تا چه حد بجا می‌آورید، تا چه حد در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها شرکت می‌کنید، در سطح لیکرت

1 Long and Fresse

2 Childbearing intention

3 Himmelfarb

4 Huber

سنجیده شده است. این ۶ گویه در تحلیل عاملی در یک عامل قرار گرفته و آلفای کرونباخ آن ۰/۹۲۳ است.

سن: متغیر فاصله‌ای که با گویه چند سال دارید، سنجیده شده است.

وضعیت شغلی: متغیر اسمی دو سطحی شاغل و غیر شاغل است که افراد غیر شاغل کلیه افراد خانه‌دار، دانشجو، بازنشسته، بیکار، دارای درآمد بدون کار و سایر موارد را شامل می‌شود. تحصیلات: در این تحقیق متغیر تحصیلات فرد، با گزینه‌های پاسخ ۱۱ قسمتی بیسواد، ابتدایی و نهضت، راهنمایی، متوسطه، دیپلم و پیش دانشگاهی، فوق دیپلم، لیسانس، فوق لیسانس، دکترای عمومی، دکترای تخصصی و تحصیلات حوزوی سؤال شده است (مرکز آمار ایران بی تا). سپس متغیر تحصیلات به سه سطح متوسطه و پایین‌تر، دیپلم و پیش دانشگاهی و دانشگاهی تقلیل یافت.

درآمد ماهانه خانوار: متغیر درآمد خانوار مجموع درآمد فرد پاسخگو و درآمد همسرش است. دو متغیر فوق در ۵ سطح با هم جمع شده و سپس با توجه به آخرین پیمایش هزینه و درآمد مرکز آمار که متوسط درآمد خانوار شهر تهران را سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان اعلام کرده بود، به سه سطح درآمد پایین‌تر از دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان، درآمد متوسط از دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان، تا سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان، درآمد بالاتر از سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان تقسیم بندی شد.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های توصیفی

از ۱۲۷۲ نمونه بدست آمده این پژوهش ۴۸/۶ درصد مرد و ۵۱/۴ درصد زن بودند. میانگین سنی مردان، ۳۹/۹ و میانگین سنی زنان، ۳۶/۲ سال بوده است. به لحاظ وضعیت تحصیلی ۲۲/۳ درصد از این افراد تحصیلات پایین‌تر از متوسط، ۳۵/۴ درصد پیش‌دانشگاهی و دیپلم، ۴۲/۳ درصد دانشگاهی بوده‌اند. به لحاظ شغلی ۶۰/۲ درصد افراد شاغل و ۳۹/۸ درصد غیرشاغل بوده‌اند. ترکیب جنسی و سنی نشان می‌دهد نمونه بدست آمده نمونه‌ای معرف جامعه آماری است. جدول ۱ شاخص‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. شاخص‌های توصیفی متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	حداقل - حداکثر
تعداد فرزندان قصد شده	۱/۹	۰/۸۶	۰/۷۴۶	۰ - ۵
دینداری	۱۷/۳۲	۸/۵۴	۷۲/۹۴	۰ - ۳۰

چنانکه در جدول فوق می‌بینیم میانگین تعداد فرزندان قصد شده ۱/۹ می‌باشد. این یافته حاکی است در صورت برقراری شرایط مطلوب افراد متأهل در شهر تهران قصد دارند به طور میانگین ۱/۹ فرزند داشته باشند. همچنین به لحاظ وضعیت دینداری، میانگین ۱۷/۳۲ نشان‌دهنده دینداری افراد در سطحی نسبتاً متوسط است.

جدول ۲: توزیع فراوانی تعداد فرزندان موجود و قصد شده

	تعداد فرزندان موجود			تعداد فرزندان قصد شده		
	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
۰ فرزند	۳۰۳	۲۳/۸	۲۳/۹	۵۰	۳/۹	۴/۱
۱ فرزند	۳۶۰	۲۸/۳	۵۲/۳	۳۰۱	۲۳/۷	۲۹/۱
۲ فرزند	۴۳۵	۳۴/۲	۸۶/۶	۶۲۷	۴۹/۳	۸۱
۳ فرزند و بیشتر	۱۷۰	۱۳/۴	۱۰۰	۲۲۹	۱۸	۱۰۰
بی پاسخ	۴	۰/۳		۶۵	۵/۱	
کل	۱۲۷۲	۱۰۰		۱۲۷۲	۱۰۰	

جدول ۲ توزیع فراوانی تعداد فرزندان قصد شده و تعداد فرزندان موجود را نشان می‌دهد. ۲۳/۸ درصد از افراد بدون فرزند بوده و درصد قابل توجهی (۲۸/۳ درصد) از افراد نیز در زمان بررسی تک فرزند بودند. جدول فوق این یافته را تایید می‌کند که افراد بدون فرزند، عمدتاً قصد فرزندآوری دارند و بی‌فرزندی ایشان ناشی از تاخیر انداختن فرزندآوری است. چنانکه می‌بینیم حدود ۴ درصد قصد بی‌فرزندی دارند که تنها ۱۶/۵ درصد از افراد بدون فرزند را شامل می‌شود. همچنین در این جدول می‌بینیم ۶۷/۳ درصد از افراد قصد دارند دو فرزند و بیش از آن

داشته باشند، در حالی که تعداد افرادی که ۲ فرزند یا بیشتر دارند ۴۷/۶ درصد است. این یافته نشان می‌دهد شرایط مطلوب برای فرزندآوری در افراد متأهل مهیا نیست و یا ایشان تصمیم دارند با تاخیر صاحب فرزند شوند. جدول ۳ توزیع فراوانی گویه‌های دینداری را نشان می‌دهد.

جدول ۳. توزیع درصدی گویه‌های دینداری

گویه‌های دینداری	اصلا (مرگ)	خیلی کم (به ندرت)	کم	تا حدودی (تیمی از اوقات)	زیاد (بسیاری از اوقات)	خیلی زیاد (همیشه)	جمع	
							درصد	فراوانی
دوست دارم موضوعات مذهبی را بیشتر یاد بگیرم	۱۳/۵	۸/۱	۵/۶	۳۲/۴	۲۱/۹	۱۸/۵	۱۰۰	۱۲۶۷
بعد از مرگ قیامت وجود دارد و به اعمال ما رسیدگی خواهد شد	۸/۸	۳/۷	۳/۹	۲۴/۱	۳۰/۳	۲۹/۲	۱۰۰	۱۲۵۹
باید با قاطعیت با بد حجایی مبارزه کرد	۲۴/۳	۱۳/۸	۱۵/۸	۱۸/۷	۱۱/۷	۱۵/۶	۱۰۰	۱۲۶۵
بدون اعتقادات دینی احساس می‌کنم زندگی‌ام بوج و بی‌هدف است	۱۲/۹	۶/۳	۸/۹	۲۶/۴	۲۲/۳	۲۳/۱	۱۰۰	۱۲۶۰
نمازهای یومیه واجب خود را تا چه حد بجا می‌آورید	۲۰/۵	۹/۲	۷/۸	۹	۱۳/۳	۴۰/۲	۱۰۰	۱۲۶۷
تا چه حد در مراسم اعیاد مذهبی و عزاداری‌ها شرکت می‌کنید	۱۸/۴	۱۴/۵	۱۲/۷	۲۶/۳	۱۶/۱	۱۱/۹	۱۰۰	۱۲۶۴
معدل گویه‌ها (در سه سطح) ^۱			۳۴/۸۵	۲۲/۸		۴۲/۳۵	۱۰۰	۱۲۶۳

۱ اصلا، خیلی کم و کم، دینداری سطح پایین؛ تا حدودی دینداری سطح متوسط؛ زیاد و خیلی زیاد دینداری سطح بالا را نشان می‌دهد.

چنانکه در این جدول می‌بینیم در حدود ۳۵ درصد افراد دینداری در سطح پایین و در ۶۵ درصد افراد دینداری متوسط و بالاتر از متوسط است. این یافته‌ها گرایش متاهلین شهر تهران را به ارزش‌های دینی نشان می‌دهد.

یافته‌های تحلیل دو متغیره

حال سوال اینجاست که آیا میان دینداری و بعدی از حوزه خانواده که قصد فرزندآوری است، رابطه معناداری برقرار است؟ جدول دوبعدی سطوح دینداری با تعداد فرزندان قصد شده، در جدول ۴ پاسخ این سؤال را در بردارد. لازم به ذکر است که در این بخش جهت ارائه رابطه میان دینداری و تعداد فرزندان قصد شده، بر اساس دامنه دینداری (۰-۳۰) دینداری به سه سطح پایین، متوسط و بالا تقسیم شده است.

جدول ۴. جدول دوبعدی سطوح دینداری با تعداد فرزندان قصد شده

دینداری	۰	۱	۲	۳ و بیشتر	جمع
پایین	۱۱/۹	۴۷	۳۳/۷	۷/۴	۱۰۰
متوسط	۳/۴	۲۶/۴	۵۵/۲	۱۵	۱۰۰
بالا	۰/۴	۱۱/۴	۵۹/۵	۲۸/۷	۱۰۰
					۰/۴۰۱ = آزمون همبستگی اسپیرمن
					۰/۰۰۰ = مقدار P

چنانکه جدول فوق نشان می‌دهد سطوح دینداری بر حسب تعداد فرزندان قصد شده متفاوت است. یافته‌های جدول حاکی است از اینکه افراد با دینداری پایین تعداد فرزندان قصد شده کمتری دارند و اکثریت افراد در این گروه (نزدیک به ۶۰ درصد) یک فرزند و کمتر را قصد کرده‌اند. بطور مشخص ۱۱/۹ درصد قصد بی‌فرزندی، ۴۷ درصد قصد تک‌فرزندی، ۳۳/۷ درصد قصد داشتن دو فرزند و تنها ۷/۴ درصد از ایشان قصد دارند ۳ فرزند یا بیشتر داشته باشند. در افرادی که دینداری آنها در سطح متوسط است نزدیک به دو سوم دوفرزند و بیشتر را قصد کرده‌اند و تنها ۳/۴ درصد از آنها قصد بی‌فرزندی دارند. در بین افرادی که دینداری بالا دارند ۸۸ درصد قصد داشتن دو فرزند و بالاتر را دارند در این میان ۵۹ درصد دو فرزند و ۲۹ درصد سه فرزند قصد کرده‌اند و تنها ۰/۴ درصد قصد بی‌فرزندی و ۱۱/۴ درصد

قصد تک فرزندی کرده اند. آزمون همبستگی اسپیرمن نیز یافته رابطه میان سطوح دینداری و تعداد فرزندان قصد شده را تایید می‌کند و نشان می‌دهد هر چه میزان دینداری افزایش می‌یابد، تعداد فرزندان قصد شده نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های تحلیل چندمتغیره

سؤال دیگر این مقاله این است که آیا تأثیر معنادار دینداری در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی اثرگذار دیگر نیز پابرجاست یا آنچنان که فرضیه‌ی مشخصه‌ها مطرح می‌کند زمانی که اثر همه متغیرها در نظر گرفته شوند مذهب تأثیری بر رفتارهای باروری ندارد (بودین ۲۰۱۵: ۴۰۲) و دینداری تأثیر معنادار خود را در مقابل متغیرهای اقتصادی اجتماعی از دست می‌دهد؟ از آنجا که مطالعات پیشین تأثیر فاکتورهای اقتصادی اجتماعی را بر قصد فرزندآوری تایید کرده است، در رگرسیون به کار گرفته شده متغیرهای جمعیتی جنسیت، وضعیت شغلی، تحصیلات، درآمد خانوار و سن نیز مد نظر هستند. جدول ۵ نتایج رگرسیون پواسون را نشان می‌دهد.

جدول ۵: نتایج برازش مدل رگرسیون پواسون تعداد فرزندان قصد شده با استفاده از متغیرهای پیش بین

متغیرها	طبقه	EXP	تعداد فرزندان قصد شده مقدار P
جنسیت (مرجع: زن)	مرد	۰/۹۷۶	۰/۷۱۱
وضعیت شغلی (مرجع شاغل)	غیرشاغل	۰/۹۸۳	۰/۷۹۸
تحصیلات (مرجع دانشگاهی)	متوسطه و پایین‌تر	۱/۲۳۶	۰/۰۰۱
	دیپلم	۱/۱۴۳	۰/۰۱۰
درآمد خانوار (مرجع بالاتر از ۳۷۵۰)	کمتر از ۲۲۵۰	۱/۱۹۳	۰/۰۱۲
	از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰	۱/۱۵۰	۰/۰۳۳
سن		۱/۰۱۲	۰/۰۰۰
دینداری		۱/۰۱۹	۰/۰۰۰
Goodness of fit	انحراف = ۳۸۹/۵۷۲ درجه آزادی = ۱۱۸۷ P مقدار = ۰/۳۲۸		
	خی دو پی‌رسون = ۲۲۴/۳۳۹ درجه آزادی = ۱۱۸۷ P مقدار = ۰/۲۸۶		
Omnibus test	Likelihood ratio chi square = ۹۴۰/۱۴۶ درجه آزادی = ۸ P مقدار = ۰/۰۰۰		

چنانکه در جدول فوق می‌بینیم عدم معناداری انحراف^۱ و خی دو پیرسون و همچنین معنادار بودن آزمون Omnibus نشان دهنده برازش قابل قبول مدل پژوهش هست. با توجه به نتایج بدست آمده از جدول فوق، میانگین تعداد فرزندان قصد شده افراد با تحصیلات متوسطه و کمتر و دیپلم و پیش دانشگاهی به ترتیب ۱/۲۳۶ و ۱/۱۴۳ برابر افراد با تحصیلات دانشگاهی می‌باشد. میانگین تعداد فرزندان قصد شده افراد با درآمد خانوار کمتر از دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان و درآمد بین دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان تا سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان، نیز به ترتیب ۱/۱۹۳ و ۱/۱۵۰ برابر افرادی است که درآمد خانوار بالاتر از سه میلیون و هفتصد و پنجاه هزار تومان دارند. با افزایش سن تعداد فرزندان قصد شده بیشتر می‌شود. نتایج مربوط به مدل‌های چند متغیره در مورد تعداد فرزندان قصد شده، نشان می‌دهد تحصیلات، سطح درآمد خانوار و سن افراد بر تعداد فرزندان قصد شده پاسخگویان تأثیر معناداری داشته است و متغیر دینداری در حضور این متغیرها همچنان معنادار است. بنابراین فرضیه تأثیر دینداری بر قصد فرزندآوری در حضور متغیرهای تأثیرگذار اقتصادی اجتماعی جمعیتی پذیرفته می‌شود.

گفتیم تحقیقات پیشین ما نشان می‌داد زنان از مردان دیندارترند. این پژوهش نیز این یافته را آنچنان که در جدول ۶ می‌بینیم تایید می‌کند.

جدول ۶: آزمون اختلاف میانگین دینداری بر حسب جنسیت

مقدار P	درجه آزادی	t	انحراف استاندارد	میانگین	تعداد	جنس	جنسیت	دینداری
۰/۰۰۰	۱۲۴۴/۱۹۸	۱۲/۱۰۶	۸/۷۸۳۴۱	۱۵/۸۲۴۶	۶۱۸	مرد		
			۸/۰۷۸۰۶	۱۸/۷۲۵۸	۶۵۱	زن		

حال سؤال اینست که با توجه به دینداری بیشتر زنان نسبت به مردان، آیا دینداری بر قصد فرزندآوری زنان و مردان تأثیر متفاوتی دارد. جدول ۷ و رگرسیون پواسن تأثیر دینداری و متغیرهای اقتصادی اجتماعی را به تفکیک جنسیت نشان داده است.

جدول ۷. نتایج برازش مدل رگرسیون پواسن تعداد فرزندان قصد شده با استفاده از متغیرهای پیش‌بین به تفکیک جنسیت

تعداد فرزندان قصد شده				طبقه	متغیرها
زنان		مردان			
مقدار p	EXP	مقدار P	EXP		
۰/۹۴۹	۰/۹۹۵	۰/۷۲۱	۰/۹۵۱	غیر شاغل	وضعیت شغلی (مرجع شاغل)
۰/۰۴۵	۱/۱۹۸	۰/۰۰۸	۱/۲۵۰	متوسطه و پایین‌تر	تحصیلات (مرجع دانشگاهی)
۰/۱۲۳	۱/۱۱۷	۰/۰۵۳	۱/۱۵۶	دیپلم	
۰/۱۴۳	۱/۱۶۲	۰/۰۳۴	۱/۲۲۶	کمتر از ۲۲۵۰	درآمد خانوار (مرجع بالاتر از ۳۷۵۰)
۰/۱۹۶	۱/۱۲۵	۰/۰۸۶	۱/۱۷۹	از ۲۲۵۰ تا ۳۷۵۰	
۰/۰۰۳	۱/۰۱۳	۰/۰۱۴	۱/۰۱۱		سن
۰/۰۰۰	۱/۰۲۴	۰/۰۰۰	۱/۰۱۵		دینداری
انحراف=۱۹۸/۹۲۸		انحراف=۱۸۷/۹۰۷			Goodness of fit
درجه آزادی=۶۰۶		درجه آزادی=۵۷۴			
مقدار p=۰/۳۲۸		مقدار P=۰/۳۲۷			
بی‌رسون		بی‌رسون			
درجه آزادی=۱۷۲/۴۸۷		درجه آزادی=۱۶۵/۳۲۵			
مقدار P=۰/۲۸۵		مقدار P=۰/۲۸۸			
Likelihood ratio		Likelihood ratio			Omnibus test
۳۲۵/۸۸chisquare=		۳۱۵/۶۱chisquare=			
درجه آزادی = ۷		درجه آزادی = ۷			
مقدار P = ۰/۰۰۰		مقدار P = ۰/۰۰۰			

چنانکه در جدول فوق می‌بینیم عدم معناداری انحراف و خی دو پیرسون و همچنین معنادار بودن آزمون Omnibus در مردان و در زنان نشان‌دهنده برازش قابل قبول مدل پژوهش در هر دو جنس هست. این نتایج نشان می‌دهد مردان با تحصیلات متوسطه و کمتر و درآمد پایین‌تر از دو میلیون و دویست و پنجاه هزار تومان تعداد فرزندان بیشتری را نسبت به مردان با تحصیلات و درآمد بالاتر قصد کرده‌اند. همچنین با افزایش سن تعداد فرزندان قصد شده در ایشان بیشتر است. در مورد زنان نیز تعداد فرزندان قصد شده تابعی از متغیرهای سن، تحصیلات و دینداری می‌باشد و تأثیر درآمد خانوار بر قصد باروری در زنان ضعیف‌تر بوده و در حضور این متغیرها اثر معناداری ندارد. زنان با تحصیلات دیپلم و کمتر نسبت به زنان دانشگاهی قصد فرزندآوری بیشتری نیز دارند. در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی تأثیر معنادار دینداری بر قصد باروری زنان پابرجاست. همچنین جدول فوق نشان می‌دهد این مدل در زنان از توان تبیین بالاتری برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

باروری به عنوان پدیده‌ای جمعیتی از عوامل متعدد اقتصادی اجتماعی و فرهنگی اثر می‌پذیرد. با این حال در جامعه ما تمرکز بیشتر تحقیقات جمعیتی، بر عوامل اقتصادی و جمعیتی بوده و عوامل فرهنگی و به خصوص ویژگی‌های مذهبی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در شرایط باروری پایین محتمل است، تمایلات باروری متأثر از تغییر ارزش‌ها و نگرش‌ها، کاهش ارزش‌های سنتی، فردگرایی و خودتحقق بخشی باشد. در برخی جوامع تغییر ارزش‌ها، موجب شده ارزش‌های سنتی مبتنی بر وجود خانواده بزرگ و دینداری حاکم بر ارکان مختلف زندگی اجتماعی، جای خود را به ارزش‌های ابراز وجود داده و دین از جایگاه هدایت‌گری در تمام ابعاد زندگی اجتماعی تغییر وضعیت داده و تأثیر آن به اشکال مختلف مطرح باشد (اینگلهارت و ولزل ۱۳۸۹).

جامعه ایران از دیرباز همواره به عنوان یک جامعه خانواده‌مدار و دین‌مدار مطرح بوده است. مطالعات تاریخی نشان می‌دهد، مطلوب بودن خانواده بزرگ، وجود ارزش‌های دینی، و اثرگذاری دین بر ابعاد مختلف زندگی در ایرانیان وجود داشته است (مدیری ۱۳۹۴). لیکن تغییرات اقتصادی اجتماعی در دهه‌های اخیر، موجب شده قضاوت‌های افراطی و تفریطی در هر

دو حوزه مجال خودنمایی یافته و گاهی منشا سیاست‌گذاری‌های نابجا شوند. از این‌رو لازم است، وضعیت ابعاد مختلف دین و خانواده همواره رصد شده و اثرگذاری و اثرپذیری آن‌ها بر زندگی اجتماعی در حال گذار ما بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بنابراین لازم است در بررسی تعیین‌کننده‌های باروری، علاوه بر بررسی ساختار اقتصادی اجتماعی، تأثیر عوامل فرهنگی از جمله دینداری نیز در رسیدن به سطوح پایین باروری شناسایی گردد.

در این راستا، این مطالعه با این سوال شکل‌گرفت که آیا قصد باروری در جامعه ما متأثر از دینداری افراد است یا دین نقش هدایت‌کننده خود را در این حوزه از دست داده است؟ و آیا تأثیر دینداری بر نیت باروری در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی اثرگذار همچنان پابرجاست یا در حضور این متغیرها رنگ می‌بازد؟

یافته‌های این تحقیق نشان داد، اگرچه قرار گرفتن در مسیر توسعه، افزایش سطح تحصیلات و درآمد در جوامع با کاهش فرزندآوری همراه است و لاجرم جامعه ما نیز در این مسیر قرار دارد اما تأثیر معنادار سن، بر تعداد فرزندان قصد شده در شهر تهران باید مورد توجه قرار گیرد. بر اساس یافته‌های این تحقیق، اگرچه حدود ۲۴ درصد از نمونه تحقیق بی‌فرزند هستند ولیکن تنها حدود ۴ درصد قصد دارند بدون فرزند باقی بمانند. همچنین اگرچه بیش از نیمی از افراد در سنین باروری، فرزند ندارند یا تک فرزند هستند، لیکن در حدود ۲۹ درصد ایشان قصد بی‌فرزندی یا تک‌فرزندی دارند و ۷۱ درصد متاهلین شهر تهران قصد دارند ۲ فرزند یا بیشتر داشته باشند. بنابراین فرزندآوری در سطح دو فرزند در شهر تهران به عنوان امری تقریباً همگانی مورد پذیرش افراد متاهل بوده است. درصد کسانی که قصد بی‌فرزندی یا تک‌فرزندی دارند به میزانی نیست که به عنوان کنشگران و تعیین‌کننده‌های اصلی حوزه باروری مطرح شوند. این یافته با نتایج مطالعات پیشین در این خصوص (حسینی‌چاووشی، عباسی‌شوازی و رازقی‌نصرآباد ۱۳۹۵) همسویی دارد. بر اساس این مطالعات حتی در شهر تهران که پیشگام باروری پایین است، بی‌فرزندی عمومیت ندارد و اکثریت افراد دوفرزندی را به عنوان ایده آل مطرح می‌کنند. بنابراین شکاف بین نیت و رفتار باروری از مسائل مهم امروز خانواده‌ها و جامعه ما می‌باشد (رازقی‌نصرآباد و میرزایی ۱۳۹۱) و چنانچه شرایط مطلوب برای فرزندآوری مهیا باشد، افراد به

نیات باروری خود جامه عمل می‌پوشانند و می‌توان انتظار داشت سطح باروری در شهر تهران به دو فرزند افزایش یابد.

از طرف دیگر دیدیم گرایش افراد به دین تقریباً بالاست و حدود ۶۵ درصد افراد دینداری متوسط و بالاتر دارند. خانواده مدار بودن و دین مدار بودن فرد ایرانی در این پژوهش نیز به چشم می‌خورد. دین و خانواده در زندگی ایرانیان همواره منشا اثر بوده و نقش فعال در تحولات فرهنگی ایرانیان داشته‌اند. همچنین مطابق با مطالعات پیشین ما در این تحقیق نیز تأثیر دینداری بر یکی از ابعاد زندگی اجتماعی تایید شد (آزادارمکی و مدیری ۱۳۹۰؛ مدیری ۱۳۹۲). قصد باروری در شهر تهران متأثر از میزان دینداری افراد است. پایین‌ترین میانگین دینداری در افرادی که قصد فرزندآوری ندارند مشاهده شده است. بنابراین می‌توان گفت بخشی از قصد بی‌فرزندگی و تک‌فرزندگی ناشی از بروز ارزش‌های سکولاریسم و عوامل مرتبط با آن است. تأثیر ارزش‌های سکولاریسم بر رفتار و نیات باروری تا حدودی رویکردهای نظری را که به تغییرات فرهنگی و نگرشی به عنوان عوامل رسیدن باروری به سطوح خیلی پایین اشاره می‌کنند (وندکا ۱۹۹۷) را تایید می‌کند، البته در این مطالعه افراد متاهلی که دینداری در سطح پایین دارند و افرادی که قصد بی‌فرزندگی یا تک‌فرزندگی دارند، درصد کمی از نمونه را به خود اختصاص می‌دهند. از طرف دیگر با بالا رفتن دینداری، تعداد فرزندان قصد شده افزایش یافته است. بنابراین نگرش‌ها و رفتارهای متاهلین شهر تهران، متأثر از دینداری افراد است و دین نقش هدایت‌گر و تعیین کننده خود را در نیات باروری همچنان حفظ کرده است. با افزایش دینداری، تعداد فرزندان قصد شده در سطح معناداری افزایش می‌یابد. به لحاظ کمی، افراد متاهلی که دینداری متوسط و بالاتر دارند و افرادی که قصد فرزندآوری در سطح دو و یا بالاتر دارند، کنشگران اصلی این حوزه محسوب می‌شوند. بنابراین همسو با یافته‌های وستاف و فرکا (۲۰۰۷) در جامعه ما دینداری افراد منجر به افزایش باروری در سطح جانشینی و یا بالاتر خواهد شد. تداوم تأثیر دینداری در تبیین نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی را در تحقیقات هربرگ ۱۹۹۵؛ لنسکی ۱۹۶۱؛ گریلی ۱۹۸۵ (به نقل از هالمن و پیترسون ۱۹۹۶)؛ زانگ ۲۰۰۸؛ نوریس و اینگلهارت ۲۰۰۴؛ هینک (۲۰۰۶)؛ سنדר (۱۹۹۲)؛ ادسرا (۲۰۰۶)؛ تورنتون و همکاران ۱۹۹۲؛ هی‌فورد و مورگان

(۲۰۰۸)؛ زین‌آبادی (۱۳۸۵)؛ پارسامهر و دیوبند (۱۳۹۰)؛ روحانی و معنوی پور (۱۳۸۸)؛ سودانی، محمدی و احیا کننده (۱۳۸۸)؛ مجرد تاکستانی (۱۳۸۹)؛ احمدی، فتحی آشتیانی و عرب نیا (۱۳۸۵) نیز تایید شده است. همچنین این یافته تایید کننده تئوری‌های تأثیر دین بر ارکان زندگی اجتماعی، تئوری قطعه قطعه شدن ارزش‌ها و الهیات ویژه است.

اسلام به فرزندآوری، جایگاه والدین در اسلام و تربیت فرزندان تأکید زیادی دارد. این ارزش‌ها از طریق آموزه‌های خاصی درباره فرزندآوری و شیوه استفاده از وسایل پیشگیری از بارداری بر ارزش‌های خانوادگی، هنجار باروری، و نهایتاً رفتار باروری تأثیر می‌گذارد. در دین اسلام در کتاب‌ها و احادیث زیادی به ازدواج، فرزندآوری، وظایف والدگری و جایگاه والای آن اشاره شده است. همچنین سازمان‌ها و نهادهای مذهبی، رهبران مذهبی و قوانین اسلامی و سیاست به گونه‌ای است که جملگی بر اهمیت خانواده و فرزندآوری تأکید دارند. لذا موافق با نظر مک‌کوییلان (۲۰۰۴) و هی‌فورد و مورگان (۲۰۰۸) دین در جامعه ما هم از طریق تأثیرگذاری بر ارزش‌ها و هنجارها نقش آفرینی می‌کند هم این ارزش‌ها و هنجارها به واسطه نهادها حمایت و توسط رهبران دینی به مردم ابلاغ می‌گردد.

یافته‌ها نشان داد تأثیر دینداری در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی اثرگذار همچنان پابرجاست. این یافته با نتایج مطالعه محمودیان و نوبخت (۱۳۸۹) همخوانی دارد. در این مطالعه پس از کنترل کلیه متغیرهای اقتصادی اجتماعی، تفاوت‌های باروری دو گروه مذهبی سنی و شیعه همچنان معنی‌دار باقی ماند اگر چه از شدت اولیه آن بطور قابل توجهی کاسته شد. بنابراین نقش دینداری در تبیین نیات باروری به گونه‌ای است که در حضور متغیرهای اثرگذار اقتصادی اجتماعی تأثیر خود را حفظ کرده است. بنابراین یافته‌ها برخلاف فرضیه مشخصه‌ها است که تأثیر مذهب بر باروری را کاذب می‌داند و اختلافات باروری را ناشی از تفاوت در ویژگی‌ها و خصایص اقتصادی اجتماعی افراد می‌داند. همچنین مطابق با یافته‌های زانگ (۲۰۰۸) دیدیم در تأثیر دینداری بر نیات باروری در زنان و مردان، تفاوت‌های جنسیتی وجود ندارد و اگر چه زنان از مردان دیندارترند، اما دینداری با شدت یکسان در زنان و مردان، قصد باروری را متأثر از خود نموده است.

همچنین در مطالعه وستاف و فرکا (۲۰۰۷) در بررسی ارتباط دینداری با باروری در بین مسلمانان اروپا، درآمد در حضور دینداری اثر خود را از دست داده است. در این تحقیق نیز در تأثیر دینداری بر نیات باروری به تفکیک جنسیت، این الگو در زنان وجود داشت. در زنان جامعه ما، درآمد در حضور دینداری اثر خود را از دست می‌دهد. به تعبیر دیگر نیات باروری زنان در مطالعه پیش رو، بیش از اینکه متأثر از درآمد خانواده باشد، از دینداری اثر پذیرفته است. البته این که عوامل فرهنگی و ویژگی‌های مذهبی تأثیر مهم‌تری دارند یا عوامل اقتصادی اجتماعی، نیاز به بررسی دقیق‌تر و جامع‌تری دارد.

تأثیر دینداری بر قصد فرزندآوری می‌تواند قابل کنترل بودن پدیده فرزندآوری را در جامعه ما نشان دهد. به طوری که شناسایی عوامل اثرگذار بر عرفی شدن افراد و تلاش در جهت کاهش آن، می‌تواند افزایش باروری را به دنبال داشته باشد. در این خصوص نقش نهادهای مذهبی و رهبران مذهبی باید مورد توجه قرار گیرد. با توجه به گرایش غالب افراد جامعه ما به دین نهادهای مذهبی می‌توانند به خوبی ایفای نقش کنند. با این حال با توجه به دستورالعمل‌های متفاوت در پیش گرفته شده در سال‌های اخیر در حوزه جمعیت، لازم است نهادها و رهبران مذهبی با تکیه بر فقه پویا و در تعاملی سازنده با محققین و متخصصان حوزه جمعیت، به اهمیت مسائل جمعیتی، ابعاد کمی و کیفی جمعیت و رهنمودها و راهبردهای عملی جهت اجرای سیاست‌های جمعیتی تأکید و در این خصوص ایفای نقش کنند.

در این حوزه پیشنهادها متعددی وجود دارد. مطابق با نظر لُر (۲۰۰۴) "اعتقادات مذهبی یا فقدان آن می‌تواند رفتارها و تمایلات باروری را با متأثر کردن درک هزینه‌ها و منافع فرزندان، تحت تأثیر قرار دهد" به گونه‌ای که افراد مذهبی برای فرزندآوری منافع بیشتری نسبت به هزینه‌ها قائل هستند. تحقیقات بعدی می‌توانند شواهد تجربی از این ارتباط را فراهم نمایند. همچنین شناسایی گونه‌های مختلف دینداری و تأثیر هر یک از این گونه‌ها بر قصد و رفتار فرزندآوری پیشنهاد می‌شود. مضاف بر آن بررسی تأثیر دینداری بر نعداد فرزندان قصد شده در حضور متغیرهای ارزش‌های خانوادگی، نگرش افراد نسبت به فرزندآوری و اهمیت فرزندان،

ممکن است نتایج متفاوتی ارائه دهد. همچنین لحاظ شدن ارزش‌های دینی در پیمایش‌های کلان و ملی، تحقیقات در حوزه دینداری و باروری مردان و زنان را توسعه خواهد بخشید.

منابع

- احمدی، خدابخش، علی فتحی آشتیانی و علیرضا عرب نیا (۱۳۸۵). "بررسی رابطه بین تقیدات مذهبی و سازگاری زناشویی"، *خانواده‌پژوهی*، سال دوم، شماره ۵: ۶۷ - ۵۵.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل (۱۳۸۹) *نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی*، یعقوب احمدی، تهران: کویر
- آزادارمکی، تقی و محمد حسین شریفی ساعی (۱۳۹۰). "تبیین جامعه شناختی روابط جنسی آنومیک در ایران"، *خانواده‌پژوهی*، سال هفتم، شماره ۲۸: ۴۶۲ - ۴۳۵.
- آزادارمکی، تقی و فاطمه مدیری (۱۳۹۰) "تأثیر متفاوت دینداری بر حوزه‌های عمومی و خصوصی"، *مطالعات فرهنگی جوانان*: ۲۴ - ۷.
- باقری آرزو، حجیه‌بی‌بی رازقی نصرآباد و مهسا سعادت (در دست چاپ) "شناسایی تعیین‌کننده‌های ترجیحات باروری با استفاده از رگرسیون پواسون"، *مجله اپیدمیولوژی ایران*.
- پارسامهر، مهربان، و فائزه دیوبند (۱۳۹۰). "بررسی رابطه بین میزان دینداری والدین با خشونت میان فردی فرزندان پسر دبیرستانی"، *مجله روانشناسی و دین*، سال چهارم، شماره ۱: ۸۷-۷۱.
- توسلی، غلامعباس و ابوالفضل مرشدی (۱۳۸۵). "بررسی سطح دینداری و گرایش‌های دینی دانشجویان (مطالعه موردی دانشگاه صنعتی امیرکبیر)"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره هفتم، شماره ۴: ۱۱۸ - ۹۶.
- حسینی چاووشی، میمنت، محمد جلال عباسی شوازی و حجیه بی بی رازقی نصرآباد (۱۳۹۵). "تحولات باروری و فرزندآوری در ایران". گزارش تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران. موسسه موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- رازقی نصرآباد، حجیه‌بی‌بی و محمد میرزایی (۱۳۹۱). "شکاف بین شمار فرزندان موجود و ایده‌آل در استان‌های منتخب سمنان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان"، نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران، سال هفتم، شماره ۱۳: ۱۷۶-۱۴۹.

- رازقی نصرآباد حجیه بی‌بی و حسن سرایی (۱۳۹۳). "تحلیل کوهورتی نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان"، *زن در توسعه و سیاست* دوره ۱۲ شماره ۲: ۲۲۹-۲۵۰.
- رازقی نصرآباد، حجیه بی‌بی (۱۳۹۵). "مرور مطالعات مرتبط با باروری پایین در ایران"، *موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور*.
- روحانی، عباس، داود معنوی‌پور (۱۳۸۸). "رابطه عمل به باورهای دینی با شادکامی و رضایت زناشویی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد مبارکه"، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی*، شماره ۳۵: ۲۰۶-۱۸۹.
- زین آبادی، مرتضی (۱۳۸۵). *بررسی رابطه نگرش مذهبی و نگرش جنسیتی با الگوهای خانوادگی*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سراج زاده، سید حسین و محمد رضا پویافر (۱۳۸۶). "مقایسه تجربی سنج‌های دینداری: دلالت‌های روش شناسانه کاربرد سه سنج در یک جمعیت"، *جامعه‌شناسی ایران*، دوره هشتم، شماره ۴: ۷۰-۳۷.
- سراج زاده، سید حسین و محمد رضا پویافر (۱۳۸۷). "دین و نظم اجتماعی: بررسی رابطه دینداری با احساس آنومی و کجروی در میان نمونه‌ای از دانشجویان"، *مسائل اجتماعی ایران*، سال ۱۶، شماره ۶۳: ۱۰۵-۷۱.
- سعادت، مهسا؛ (۱۳۹۴). "کاربرد رگرسیون پواسن در شناسایی عوامل مؤثر بر تعداد فرزندان زنده به دنیا آمده زنان ازدواج کرده ۱۵-۴۹ ساله استان سمنان". *مجله علمی-پژوهشی تحقیقات نظام سلامت*، دوره یازدهم، شماره ۳ پاییز ۱۳۹۴، صفحه ۶۴۱-۶۵۱.
- سودانی، منصور، کبری محمدی و منیژه احیا‌کننده (۱۳۸۸). "بررسی رابطه دینداری با رضایت زناشویی دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز"، مقاله ارائه شده در چهارمین کنگره ملی آسیب‌شناسی خانواده، دانشگاه شهید بهشتی.
- شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴)، "مدلی برای سنجش دینداری در ایران"، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ششم، شماره ۱: ۶۶-۳۴.
- عباسی شوازی، محمدجلال و زهره خواجه‌صالحی (۱۳۹۲). "سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی، و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)"، *زن در توسعه و سیاست*، دوره ۱۱، شماره ۱: ۴۵-۶۴.

- عباسی شوازی، محمدجلال و ملیحه علی مندگاری (۱۳۸۹). "تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آن‌ها در ایران"، *پژوهش زنان*، دوره ۸، شماره ۱: ۳۲-۵۱.
- عباسی شوازی، محمدجلال، میمنت حسینی چاوشی، پیتر مکدونالد و بهرام دلاور (۱۳۸۳). *تحولات باروری: شواهدی از چهار استان منتخب*، تهران: وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عباسی شوازی محمدجلال و عباس عسکری ندوشن (۱۳۸۴). "تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران مطالعه موردی استان یزد"، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۵: ۳۵-۷۵.
- عباسی شوازی، محمد جلال و میمنت حسینی چاوشی (۱۳۹۲)، "رونند و سطح باروری طی چهار دهه اخیر در ایران: کاربرد روش فرزندان خود در برآورد باروری در سرشماری‌های ۱۳۶۵ و ۱۳۹۰"، گزارش تحقیقاتی، پژوهشکده آمار، مرکز آمار ایران.
- قدرتی، حسین، داریوش بوستانی، اکرم قدرتی و احمد کلالی (۱۳۹۲). "بررسی رابطه برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان مطالعه موردی: زنان متأهل ۲۰ تا ۴۰ ساله شهر سبزوار"، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، سال سوم، شماره ۱۱: ۷۵-۹۱.
- لوکاس، دیوید و پاول میر (۱۳۸۷). *درآمدی بر مطالعات جمعیتی*، (ترجمه‌ی حسین محمودیان)، تهران: مؤسسه‌ی انتشارات دانشگاه تهران.
- مجرد تاکستانی، فرنگیس (۱۳۸۹). "بررسی رابطه دینداری با رضایت از روابط متقابل زوجین در مناطق (۶ و ۱۸) شهر تهران ۱۳۸۹"، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- محمودیان، حسین و رضا نوبخت (۱۳۸۹). "مذهب و باروری: تحلیل رفتار باروری گروه‌های مذهبی سنی و شیعه شهر گله‌دار استان فارس". *مسائل اجتماعی ایران*، سال اول، شماره ۱: ۲۱۵-۱۹۵.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۲). "بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ارزش‌های خانوادگی با تأکید بر نقش دینداری"، پایان نامه دکتری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- مدیری، فاطمه (۱۳۹۴). "بررسی سبک زندگی متأهلین و تعیین کننده‌های آن (مورد مطالعه: شهر تهران)"، مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- مدیری، فاطمه و تقی آزادارمکی (۱۳۹۲). جنسیت و دینداری، *جامعه‌شناسی کاربردی*، شماره ۵۱: ۱-۱۴.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، نتایج سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰.

- مرکز آمار ایران (بی‌تا)، طبقه بندی سطوح آموزشی و رشته‌های تحصیلی ایران.
- موحد، مجید و حلیمه عنایت (۱۳۸۵)، "اسلام و دموکراسی بررسی جامعه شناختی رابطه میان دینداری و تمایل به دموکراسی"، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، شماره ۱، صص ۲۳۵-۲۶۴
- همیلتون، مالکوم (۱۳۸۱). *جامعه شناسی دین*، (ترجمه: محسن ثلاثی) تهران: موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- Abbasi-Shavazi, M. J, P. McDonald, and M. Hosseini Chavoshi (2003). "Changes in Family, Fertility Behavior and Attitudes in Iran" Working Paper in Demography, No. 88, Australian National University, Canberra.
- Abbasi-Shavazi, M. J, P. McDonald, and M. Hosseini Chavoshi (2007). "The Path to Below Replacement Fertility in Iran". *Asia-Pacific Population Journal*, 22(2): 91-112.
- Abbasi-Shavazi, M. J, P. McDonald, and M. Hosseini Chavoshi (2009). *The Fertility Transition in Iran: Revolution and Reproduction*, Springer.
- Adserá, A. (2006). "Marital Fertility and Religion: Recent Changes in Spain, 1985 and 1989," *Population Studies* 60(2): 205-221.
- Baudin, T (2015). "Religion and fertility: The French connection", *Demographic Research* 32(13): 397-420.
- Bean, F.D, and J.P. Marcum (1978). *Different Fertility and the Minority Group Status Hypothesis*, in Bean F.D, Frisbie, New York: Academic Press: 189-211.
- Bisin, A. and T.Verdier (2001). "The Economics of Cultural Transmission and the Dynamic of Preferences". *Journal of Economic Theory* 97: 298-319. doi:10.1006/jeth.2000.2678.
- Brañas-Garza, P., and SH. Neuman (2006). "Is Fertility Related to Religiosity? Evidence from Spain", Discussion Paper No. 2192, Forschungsinstitut zur Zukunft der Arbeit Institute for the Study of Labor.
- Call, V, RA Heaton, and B. Tim (1997). "Religious Influence on Marital Stability". *Journal for the Scientific Study of Religion*, 36(3):382-392.
- Davidso, J.C, D.P.Caddell (1994). "Religion and the Meaning of Work", *Journal for the Scientific Study of Religion* 33: 135-147.
- Dobbelaere, K. (1993). Church Involvement and Secularization: Making Sense of the European Case In: E. Barker, J.A. Beckford and K. Dobbelaere (eds.) *Secularization, Rationalism and Sectarism*. Oxford: Clarendon Press: 19-36.
- Ellison, C, and D. Sherkat. (1993). "Obedience and Autonomy: Religion and Parental Values Reconsidered", *Journal for the Scientific Study of Religion* 32:313-329.
- Fenn, R.K. (1972). "Toward a New Sociology of Religion", *Journal for the Scientific Study of Religion* 11: 16-32.
- Frejka, T, and C.F. Westoff (2006). "Religion, Religiousness and Fertility in the U.S. and in Europe", *Demographic Research*, working paper 013.

- Frejka, T. & Westhoff, C. F. (2006). "Religion, Religiousness and Fertility in the U.S. and in Europe", *Demographic Research, MPIDER working paper*, WP 2006-013:1-25
- Goldscheider, C. (1971). *Population, Modernization and Social Structure*, Boston: Little Brown.
- Goldscheider, C., and P.R. Uhlenberg (1969). "Minority Group Status and Fertility", *American Journal of Sociology*, 74 (4): 361-372.
- Greeley, A. (1985). *Unsecular Man. The Persistence of Religion*. New York: Schocken Books.
- Halma, L., R. de Moor. (1994). *Religion, Churches and Moral Values*, In: P. Ester, L. Halman and R. de Moor (eds.), *The Individualizing Society. Value Change in Europe and North America*, Tilburg: Tilburg University Press: 37-65.
- Halman, L., T. Pettersson (1996). "Morality and Religion: A Weakened Relationship?" *Empirical Theology*, 9(2): 30 - 47.
- Hammel, E.A (1990). "A Theory of Culture for Demography". *Population and Development Review*, 16: 455-485.
- Hart, D.B., (2004) "Religion in America: Ancient and Modern", *New Criterion*: 6. <https://dokumen.tips/documents/david-b-hart-religion-in-america-ancient-and-modern.html>.
- Heineck, G (2006). "The relationship between religion and fertility: Evidence from Austria.Granada", University of Granada, Department of Economic Theory and Economic History (Papers on Economics of Religion 06/01).
- Herberg, W. (1955). *Protestant, Catholic, Jew*. City Garden, NY: Anchor.
- Heyford, S.R and Morgan. S.Ph. (2008) "Religiosity and Fertility in the United States: The Role of Fertility Intentions". *Sociology Forces*. 86(3): 1163-1188.
- Himmelfarb, H. S. (1975). "Measuring Religious Involvement", *Social Forces*, 53: 606-618.
- Hosseini-Chavoshi, M., P.McDonald, and MJ. Abbasi-Shavazi (2006). "The Iranian Fertility Decline, 1981-1999: an Application of the Synthetic Parity Progression Ratio Method", *Population*, 61(5-6): 701-718.
- Huber, S. and W. Huber (2012). "The Centrality of Religiosity Scale (CRS)", *Religions*, 3(3): 710-724; doi: 10.3390/rel3030710.
- Iyer, S. (2002), *Demography and Religion in India*, New Delhi: Oxford University Press.
- Jagodzinski, W (1996). "The Transformation of the Religious Cleavage in West European Party Systems", Paper presented at the 13th Nordic Conference in Sociology of Religion Religion and Politics, Lund, August 15-18.
- Jeffery, P. and R. Jeffery (2000). "Religion and Fertility in India", *Economic and Political Weekly* 35: 3253-3259.
- Lehrer, E.L (2004). "Religion as a Determinant of Economic and Demographic Behavior in the United States", *Population and Development Review* 30 (4): 707.
- Lenski, G. (1961). *The Religious Factor*. New York: Doubleday & Company.

- Long, J.S, and J. Freese (2006). *Regression Models for Categorical Dependent Variables Using Stata*. College Station, TX: Stata Press.
- Mahmoudian, H. and G. Carmichael (1998). "An Analysis of Muslim Fertility in Australia Using the Own-Children Method", *Journal of Muslim Minority Affairs*, 18 (2): 251-26.
- McQuillan, Kevin (2004). "When Does Religion Influence Fertility?" *Population and Development Review*, 30 (1):26.
- Mishra, V (2004). "Muslim/Non-Muslim Differentials in Fertility and Family Planning in India", East-West Center Working Paper, No. 112, *Population and Health Series*.
- Morgan, S., Stash, S., Smith H.L. and Mason, K.O (2002). "Muslim and Non-Muslim Differences in Female Autonomy and Fertility: Evidence from Four Asian Countries", *Population and Development Review* 28(3): 515-537.
- Munch, R. (1990). *Differentiation, Rationalization, Interpretation: the Emergence of Modern Society*, In: J.F, Alexander, P. Colomby (eds), *Differentiation Theory and Social Change*, New York: Columbia University Press: 441- 464.
- Neuman, S. and A.Ziderman (1986), "How Does Fertility Relate to Religiosity: Survey Evidence from Israel," *Sociology and Social Research* 70(2): 178-180.
- Norris P, and R. Inglehart (2004). *Sacred and Secular: Religion and Politics Worldwide* (Cambridge Studies in Social Theory, Religion and Politics), Cambridge: Cambridge University Press.
- Sander, W (1992). "Catholicism and the Economics of Fertility". *Population Studies* 46:477-489.
- Sandra, H (2014). *The Impact of Religiosity on Fertility; a Comparative Analysis of France, Norway, and Germany*, Springer.
- Smelser, N.J (1973). *Toward a Theory of Modernization*, in: E. Etzioni-Halevy and A. Etzioni (eds.), *Social Change*. New York: Basic Books: 268-284.
- Surkyn, J. and R. Lesthaegh (2004). "Value Orientations and the Second Demographic Transition (STD) in Northern, Western and Southern Europe: An Update ", *Demographic Research*, Special Collection 3, Article 3 (www.demographic-research.org).
- Tamney, J.B. and S.D. Johnson (1985). "Consequential Religiosity in Modern Society", *Review of Religious Research* 26: 360-378.
- Thornton, A, W. Axinn, G. Hil, H. Daniel (1992). "Reciprocal Effects of Religiosity, Cohabitation, and Marriage". *American Journal of Sociology*, 98(3):628-651.
- Van de Kaa, D. J (1997). "Options and Sequences: Europe's Demographic Patterns". *Journal of the Australian Population Association*, 14 (1): 1-30.
- Weigel, G., (2005). *The Cube and the Cathedral: Europe, America, and Politics without God*, Basic Books.
- Westoff, C.F and T Frejk (2007). "Religiousness and Fertility among European Muslims". *Population and Development Review* 33(4): 785- 809.
- Zang, L (2008). "Religious Affiliation, Religiosity, and Male and Female Fertility". *Demographic Research*: 18 (8): 233-262.